

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی-کابل

۲۲ مارچ ۲۰۲۰

"سازک" بود و یا "به جان زدن"؟!

شنبه - ۰۲ حمل ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشت امروز خواهم کوشید تا به ارتباط عنوان مطلب، که بر می گردد به مناسبات "زلمی خلیزاد" و "غنی احمدزی"، برداشتهایم را تقدیم شما خوانندگان عزیز نمایم. اما قبل از آن: شاید شما هم داستان مردی را که بر بالای درخت گیر مانده بود شنیده باشید، با آنهم به خاطر آنهایی که نشنیده اند از خواندنش منصرف نشوید:

گویند مردی روی هر دلیلی که بود بر درختی خیلی بلند بالا شد، وقتی به انتها رسید و خواست پائین بیاید ترس برش داشته چشمانش سیاهی رفت که اگر خود را محکم نگرفته بود، بر زمین می افتاد. مرد که واقعاً ترسیده بود به مانند اجداد اولیه اش که حین ترس هم خدا را خلق نمودند، خیلی زود به فکر خدا افتاده، در حالی که سخت به درخت چسبیده بود، رو را به طرف بالا نموده گفت: "خدایا کمک کن تا از درخت فرود آیم، حاضریم به شکرانه آن یگانه گاو خانواده را به مثابه نذر حلال کرده، گوششتش را بین فقراء تقسیم نمایم." این را گفته سه چهار متری پائین شد. در آنجا باز هم به زمین و فضاء نگریده، گفت: "خدوندا، تو میدانی که تمام زندگی ما به گاو وابسته است، و نمی توانم آن را بکشم و بین دیگران تقسیم نمایم، مگر همین جا عهد می سپارم که اگر به سلامت از درخت پائین شوم، "گوسفند چاری" ما را سربریده به فقراء نذر گونه تقسیم نمایم" این را گفته باز هم اندکی پائین آمده از آن بالا نگریست و گفت: "خاوندان توکه می دانی زمستان پیش روست و گوسفند خرج تمام زمستان ماست و نمی توانم از آن بگذرم زیرا در تمام زمستان بی گوشت خواهیم ماند، مگر در عوض عهد می سپارم که اگر به سلامت به زمین برسم، "خروس تاجدار" خانواده را که رشک تمام همسایه را بر انگیخته، برای رضای تو سر خواهم برید" این را گفته باز هم پائین آمد. وقتی باز هم از بالا نگریست و دید که تقریباً به زمین رسید، از آنجا به پائین خیز زده، گفت "خدایا تو که می دانی گپ مه چندان نمازی نیست، "مه گفتم و تو باورکدی نه چرکی بود و نه پرکی".

۲- وقتی به روابط اخیر بین "غنی احمدزی" و "خلیزاد" به ارتباط رها ساختن ۵۰۰۰ زندانی طالب نظر می اندازیم، ظاهراً این طور معلوم می شود که "غنی احمدزی" توانسته "خلیزاد" را فریب داده "بغولاند". یعنی به خاطر پیشی گرفتن از "عبدالله عبدالمود" و رسمیت بخشیدن به حاکمیت خود از جانب امریکا و سایر شرکاء، قبول نموده بود که به شرط شرکت آنها در مراسم تحلیفش، فرمان آزادی ۵۰۰۰ زندانی طالب را صادر خواهد کرد. اشغالگران "خوشباور!!" هم بدون اخذ کدام تضمینی در دامی که "غنی احمدزی" پهن نموده بود، افتادند و اینک این "غنی

احمدزی" است که چون به پائین درخت رسیده، نه تنها ۵۰۰۰ زندانی طالب را رها نکرده، حتا هیأت مذاکره را نیز انتخاب ننموده تا جهت مذاکره با طالب راهی قطر گردد.

هموطنان گرامی!

هرچند ظاهر قضایا چنین می نمایاند، مگر واقعیت قضیه چنین نیست، زیرا از یک جانب خدایانی که با "غنی احمدزی" معامله دارند، به مانند خدای مرد بالای درخت، بی خبر و بی اطلاع از قصد و نیت "غنی احمدزی" نبوده و نیستند در ثانی این خدایان به مانند آن خدا، تخیلی و بی دست و پای نیست تا وقتی طرف از کشتن "خروس تاجدار" منصرف شد، دست زیر الاشه برده، در حقش دعای بد کند، این خدایان توپ، طیاره، راکت و از همه بالاتر و مهمتر دالر دارند و می توانند "چلبازان" را به یک چشم به هم زدن، نیست و نابود نمایند.

بناءً به صراحت حکم نموده می توانیم تمام آنچه بین "خلیلزاد" و "غنی احمدزی" گذشت بخشی از همان نمایش مقتضی بود که من باربار آن را بالماسکه نامیده بودم. یعنی "غنی احمدزی" در حالی که خودش می خواست عندالموقع تمام زندانیان طالب را به مانند گذشته از بند رها سازد، ظاهراً چنان نقش بازی کرد که نمی خواهد آنها را از بند رها سازد. از این طریق، "عبدالله عبدالمود" و بقیه مخالفان طالب را که سالها علیه یک دیگر جنگیده و هزاران خون قرضدار همدیگر اند، به موضعی انداخت که خودش از اول می خواست انجام دهد، یعنی رهائی طالب.

بدین طریق "غنی احمدزی" موفق شد در تبنانی با یار غارش "خلیلزاد" اولاً از رهائی قاتلان مردم قبیح زدائی کند و از جانب دیگر، به نحوی امریکا و "خلیلزاد" را ناگزیر از به رسمیت شناختن "عبدالمود" اعلام داشته، دخالت های آن کشور را در انتصابات کذائی کتمان نمایند. یعنی پای "به جان زدن" در میان نبود، هرچه بود "سازک" و تقلب بود.

هموطنان گرامی!

حاکمیتی را که امپریالیسم امریکا و بقیه اشغالگران در افغانستان به وجود آورده اعم از "غنی احمدزی" و "عبدالمود" هر دو تا مغز استخوان نوکر امپریالیسم، جاسوس آنها و دشمن مردم ما هستند. باید متوجه باشیم که دفاع از این و یا آن جاسوس، چه کس بخواهد و چه هم نخواهد خودش را به مثابه یک جاسوس و خاین، به خیانت می آلاید.

سرکها ما را می طلبد!